

در میزگرد بررسی چالش‌ها و آسیب‌های خانه‌های مجردی عنوان شد:

فریاد برای استقلال

۳۰ تا ۴۰ صد جوانان در شهرهای بزرگ، زندگی مجردی دارند. به نظر می‌رسد ترکیبی از نیازهای عاطفی، میل به فردیت، استقلال طلبی، میل به رشد و پیشرفت تحصیلی و حرفه‌ای و توسعه نامتوازن، باعث گرایش فزاینده‌ای به زندگی مجردی می‌شود. حالا با گذشت شش سال شاید این آمار باز هم افزایش یافته‌است، مسئله‌ای که چندان هم دور از انتظار نیست و دلایل زیادی برای توجیه آن وجود دارد. افزایش سن ازواج، افزایش طلاق و حس مستقل

چالشی می‌شود و می‌طلبد که دفترچه راهنما و خطوط راهنمای برای جامعه باشد که اگر هم اجتناب‌ناپذیر است، قواعدش رعایت و مسائل حقوقی و شرعی آن در نظر گرفته شود که فرد دست از پارازیت و آسیب‌های بیشتر به‌خواده برنگردد.

نسل فراداشما از سنن جدا شدن

فرزندان صحبت کرده‌اند؛ به نظر شما

بهترین سن برای جدا شدن فرزند یا همان

اینکه در خارج و در کشورهای توسعه‌یافته

سن ۱۴ سالگی سن استقلال فرزندان است

و دولت هم امکانانی را برای این موضوع در

اختیار خانواده‌ها می‌گذارد؛ اما به هر حال با

توجه به فرهنگ و امکاناتی که در کشور

ماست این سن بهتر است چه عددی باشد؟

اسحاقی: شاید نتوان یک خط واضح برای این

موضوع انتخاب کرده‌ولی چون به هر حال نیازمند

سیاستگذاری از این مجموعه مطالب هستیم،

به چند مثال اکتفا می‌کنیم. ببینید ممکن است

ما در مورد فرزند داشته باشیم که توانایی

بچه بگیرد که در برخی مواقع حتی بیشتر از

فرزند بزرگترمان باشد، پس باید فکر کرد؛

اما در بحث کلاش باید به منابع و آموزش‌های

دینی رجوع کنیم. ما برای رشد تکلیفی و

حس خود داریم که ۷ سال آخر، قاعدتا حول و حوش

۲۲-۲۳ سالگی است که‌فرد به بلوغ فکری رسیده

و می‌توان با این موضوع کنار آمد، خوب حالا اگر

ضرورتی برای انجام این کار داشته باشیم، اگر

در قالب ازواج که محترمانه‌ترین، فکشت‌ترین

و شرعی‌ترین شکل هست اتفاق بیفتد که چه

بهرای ولی‌اگر این اتفاق نیفتاد، فرد حداقل باید ۲۰

سال تمام‌گردد. باید توجه داشت که هشت، یعنی

بین ۱۵تا ۲۰ سال برای کسی که استقلالش را

دارد و پیدایش بکنند، زمان خوبی است، اما

آنچه که حالا به عنوان آسیب‌های روحی مطرح

می‌شود، موضوع دیگری است. گاهی این پدر و

مادرها هستند که به فرزندشان وابسته هستند.

خیلی از مراجع‌من هستند که حتی ازواج هم

گردد، اما هنوز تحت لوای خانواده هستند و

بهرای ولی‌اگر این اتفاق نیفتاد، فرد حداقل باید ۲۰

سال تمام‌گردد. باید توجه داشت که هشت، یعنی

بین ۱۵تا ۲۰ سال برای کسی که استقلالش را

دارد و پیدایش بکنند، زمان خوبی است، اما

آنچه که حالا به عنوان آسیب‌های روحی مطرح

می‌شود، موضوع دیگری است. گاهی این پدر و

مادرها هستند که به فرزندشان وابسته هستند.

خیلی از مراجع‌من هستند که حتی ازواج هم

گردد، اما هنوز تحت لوای خانواده هستند و

بهرای ولی‌اگر این اتفاق نیفتاد، فرد حداقل باید ۲۰

سال تمام‌گردد. باید توجه داشت که هشت، یعنی

بین ۱۵تا ۲۰ سال برای کسی که استقلالش را

دارد و پیدایش بکنند، زمان خوبی است، اما

آنچه که حالا به عنوان آسیب‌های روحی مطرح

زندگی زناشویی و چون تجربه زندگی ندارند

وقتی سه‌کوبه‌کج‌ترین مشکلی برمی‌خورند،

طلاق می‌گیرند.

حسن پور: البته این مسئله در بستر خانواده

هم ممکن است اتفاق بیفتد و مشکلاتی همچون

اعتیاد و غیره را نیز در کنار خانواده تجربه می‌کند.

پدرام: بله درست‌است، ولی تأکید ما بر این

است که عنوان خانه‌های مجردی یعنی چه

این استقلال به چه مناسبتی باید باشد ما باید

موضوع خود را مشخص کنیم، به عنوان مثال اگر

ما از اول و آخر چار مشکلیک و به عنوان مثال اگر

ازایمیز زیاد شده است، بچه‌های اوتسم هم از

طرف دیگر زیاد شدند و اینها همه برمی‌گردد

به روابط. «از ابتدای این شهر معصوم تولد

است و نهایتش کوچک‌بچه‌های فراموشی» این

و آقایانی که بعد از یک‌سال دو سال‌والد زندگی

مشترک تقریبا رها باز شده‌به خانه ندارند و

نیازمند خانه قبلی خانواده را تحمل کنند،

و به هر حال باید فکر ساماندهی هم باشیم.

راه‌به‌ناچار این نتیجه می‌رسند که باید به جای

مستقل روی بیایرند و اینها به دلیل سرمایه‌های

خاص ناشی از طلاق، تنهایی یا با یک شریک

هم جنس یا غیر همجنس را انتخاب می‌کنند

و امکان اینکه آسیب‌های مضاعف دیگری را

در کنار طلاق تجربه کنند، هست. برای همین

بغل و فریب‌هایی که پدر و مادرش می‌توانند اجاره

راه‌حسابی بریزند، کفایت نمی‌کند از نظر راه

خیلی خوب‌است، اما آیا کفایت زندگی مجردی

را می‌کند؟ از طرف دیگر ما آمار خوشنکی، آمار

افسرگی، آمار بیماری‌های اضطرابی را داریم که

به نوعی با این موضوع تگر می‌هستند و با یک

فرزند بزرگترمان باشد، پس باید فکر کرد؛

اما در بحث کلاش باید به منابع و آموزش‌های

دینی رجوع کنیم. ما برای رشد تکلیفی و

حس خود داریم که ۷ سال آخر، قاعدتا حول و حوش

۲۲-۲۳ سالگی است که‌فرد به بلوغ فکری رسیده

و می‌توان با این موضوع کنار آمد، خوب حالا اگر

ضرورتی برای انجام این کار داشته باشیم، اگر

در قالب ازواج که محترمانه‌ترین، فکشت‌ترین

و شرعی‌ترین شکل هست اتفاق بیفتد که چه

بهرای ولی‌اگر این اتفاق نیفتاد، فرد حداقل باید ۲۰

سال تمام‌گردد. باید توجه داشت که هشت، یعنی

بین ۱۵تا ۲۰ سال برای کسی که استقلالش را

دارد و پیدایش بکنند، زمان خوبی است، اما

آنچه که حالا به عنوان آسیب‌های روحی مطرح

می‌شود، موضوع دیگری است. گاهی این پدر و

مادرها هستند که به فرزندشان وابسته هستند.

خیلی از مراجع‌من هستند که حتی ازواج هم

گردد، اما هنوز تحت لوای خانواده هستند و

بهرای ولی‌اگر این اتفاق نیفتاد، فرد حداقل باید ۲۰

سال تمام‌گردد. باید توجه داشت که هشت، یعنی

بین ۱۵تا ۲۰ سال برای کسی که استقلالش را

دارد و پیدایش بکنند، زمان خوبی است، اما

آنچه که حالا به عنوان آسیب‌های روحی مطرح

می‌شود، موضوع دیگری است. گاهی این پدر و

مادرها هستند که به فرزندشان وابسته هستند.

خیلی از مراجع‌من هستند که حتی ازواج هم

گردد، اما هنوز تحت لوای خانواده هستند و

بهرای ولی‌اگر این اتفاق نیفتاد، فرد حداقل باید ۲۰

سال تمام‌گردد. باید توجه داشت که هشت، یعنی

بین ۱۵تا ۲۰ سال برای کسی که استقلالش را

دارد و پیدایش بکنند، زمان خوبی است، اما

مجبورند تک‌تک باز زندگی را به دوش کشند

نوع نگاه مردم به زانیی کسه مجرد زندگی

می‌کنند به شکل منفی است و ممکن است

آسیب‌هایی که از بیرون به این فرد وارد

می‌شود، بدتر باشد؟ دوستان مجردش نزدش

می‌نند نوع نگاه همسایه‌ها بد است و بنابراین

او ترجیح می‌دهد از اول طلب شود، در این مورد

این قصه را باز تو کنید که آسیب‌هایی که از

بیرون به این فرد وارد می‌شود و نوع نگاه مردم

و جامعه به این فرد تا چه حد تأثیر منفی

خواهد داشت؟

اسحاقی: به نظر من آسیب‌هایی که نوع نگاه به

زنان می‌زند، کم از سطح‌های غیر قانونی و اعتیاد و

آسیب‌های دیگر نیست، چون نگاه همسایه کاسب

سر محل و دیگران به این خانم، اثراتی روانی زیادی

راه او وارد می‌کند.

حسن پور: یک آقا کسب مورد آسیب نگاه‌های

همسایه‌ها و مردم اطراف فرار می‌گیرد البته

نمی‌خواهم جنسیتی به این موضوع نگاه کنم،

اما این واقعیتی است که از کودکی برای خانم‌ها

محدودتری است پیشتر وجود دارد و اگر دختری

ازواج نگردد، از ارزش کمتری و ادو همین‌ها را

خانم از خانواده یاد می‌شود و او فردی می‌کند تا با

این رویه رو نشده‌به سمت خانه مجردی می‌رود؛ در

خانه به دلیل همان نگاه‌ها یاد خودش تکرار می‌کند

که من آدم بی ارزشی هستم، من آدم تنهایی هستم

پس این موضوع در آن ثقوبت می‌شود و تبدیل می‌شود

به بیماری؛ در حالی که خانم خودی تاوانمند باشد و

اعتماد به نفس داشته باشد، حال خوبی با خودش

داشته و با زن بودن خودش مشکلی نداشته باشد؛

احساس تنهایی هم نبخواهد، اگر البته‌بند مادر بی‌دلی

شهر و پایین‌شرو و ساعتی بودن برخی از نقاط

اسفهان و آذربایجان همسایه‌های مجردی در

چوکچ زندگی کنند و زندگی در این فضاهای

کوچک، عوارضی دارد که یکی از عوارض آن، تلاش

برای استقلال یافتن فرزندان خانواده، کوچ به سمت

خانه‌های مستقل و روی آوردن به شما معتقدید

نسل فراداشما تنهایی بهتر است

اسحاقی: بله خانه‌های قدیمی حیاط و اتاق‌های

مدرسه‌ای در این خلوت کردن خودشان داشته‌اند،

ولی در زندگی آری‌مان نشینی امکان چنین چیزی

وجود ندارد.

حسن پور: شاید برای پایان بندی باید بگویم که

اولا ما اختیار اینکه باشد یا نباشد را داریم، چون این

موضوع هست؛ اما اینکه چطور باید که بهتر باشد و

آسب کمتری داشته باشد، باید به دلیل آموزش و

نوجوانی بود تا معنی استقلال مفهوم شود و خود

آساقی: خانه‌های قدیمی حیاط و اتاق‌های

مدرسه‌ای در این خلوت کردن خودشان داشته‌اند،

ولی در زندگی آری‌مان نشینی امکان چنین چیزی

وجود ندارد.

حسن پور: شاید برای پایان بندی باید بگویم که

اولا ما اختیار اینکه باشد یا نباشد را داریم، چون این

موضوع هست؛ اما اینکه چطور باید که بهتر باشد و

آسب کمتری داشته باشد، باید به دلیل آموزش و

نوجوانی بود تا معنی استقلال مفهوم شود و خود

آساقی: خانه‌های قدیمی حیاط و اتاق‌های

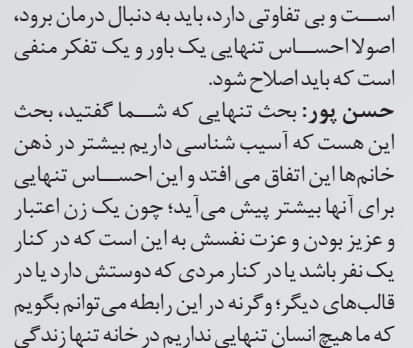
مدرسه‌ای در این خلوت کردن خودشان داشته‌اند،

ولی در زندگی آری‌مان نشینی امکان چنین چیزی

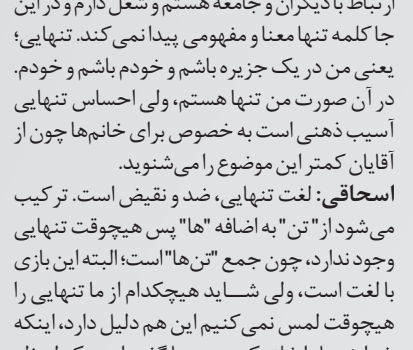
وجود ندارد.

حسن پور: شاید برای پایان بندی باید بگویم که

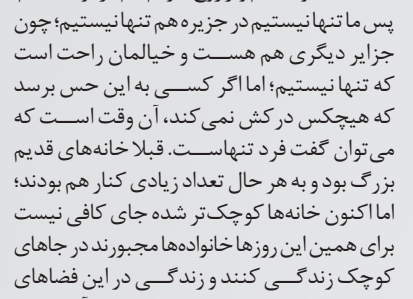
اولا ما اختیار اینکه باشد یا نباشد را داریم، چون این



▲ اسفانه حسن پور، کارشناس ارشد مشاوره



▲ دکتر احمد پیردام، روانشناس



▲ دکتر سیدرضا اسحاقی متخصص پزشکی اجتماعی

نبروی نظامی را می‌خورد و همانطور که اشاره

شد، اگر این چوب تفکرات اشتباه همچنان برپه‌ر

مردزینست و درود، نه تنها مشکل اصلی جوانان

حلی نمی‌شود، بلکه دغدغه مسئولان برپه‌ر

حسلی‌می‌آید. فریب دارم که گاهی مجردزیستن به

مدد تکنولوژی و تأمین مالی آنها، می‌افتد؛ اما اینها

متغیرهای فرآینی است که باید بستری‌های درست آن

فرام شود و تا زمانی که این اتفاق نیفتد همچنان

جای نگرانی وجود دارد.

حسن پور: شاید برای پایان بندی باید بگویم که

اولا ما اختیار اینکه باشد یا نباشد را داریم، چون این

موضوع هست؛ اما اینکه چطور باید که بهتر باشد و

آسب کمتری داشته باشد، باید به دلیل آموزش و

نوجوانی بود تا معنی استقلال مفهوم شود و خود

آساقی: خانه‌های قدیمی حیاط و اتاق‌های

مدرسه‌ای در این خلوت کردن خودشان داشته‌اند،

ولی در زندگی آری‌مان نشینی امکان چنین چیزی

وجود ندارد.

حسن پور: شاید برای پایان بندی باید بگویم که

اولا ما اختیار اینکه باشد یا نباشد را داریم، چون این

موضوع هست؛ اما اینکه چطور باید که بهتر باشد و

آسب کمتری داشته باشد، باید به دلیل آموزش و

نوجوانی بود تا معنی استقلال مفهوم شود و خود

آساقی: خانه‌های قدیمی حیاط و اتاق‌های

مدرسه‌ای در این خلوت کردن خودشان داشته‌اند،

ولی در زندگی آری‌مان نشینی امکان چنین چیزی

وجود ندارد.

حسن پور: شاید برای پایان بندی باید بگویم که

اولا ما اختیار اینکه باشد یا نباشد را داریم، چون این

موضوع هست؛ اما اینکه چطور باید که بهتر باشد و

آسب کمتری داشته باشد، باید به دلیل آموزش و

نوجوانی بود تا معنی استقلال مفهوم شود و خود

آساقی: خانه‌های قدیمی حیاط و اتاق‌های

مدرسه‌ای در این خلوت کردن خودشان داشته‌اند،

ولی در زندگی آری‌مان نشینی امکان چنین چیزی

وجود ندارد.

حسن پور: شاید برای پایان بندی باید بگویم که

اولا ما اختیار اینکه باشد یا نباشد را داریم، چون این

موضوع هست؛ اما اینکه چطور باید که بهتر باشد و

آسب کمتری داشته باشد، باید به دلیل آموزش و

نوجوانی بود تا معنی استقلال مفهوم شود و خود

پول شناخته می‌شود و چیزهای دیگر زیاد مهم

نیست. فقط مزاحمت ایجاد نکند چهار دیواری

و اختیاری، خوشبختانه دسترس و جریان در

مرحله گذار هستیم و معلوم نیست چند دهه

باید بگذرد که ما داریم که هر فرد مسئول

انتخاب و رفتارهای خودش است و کسی که

باید بستر را فراهم کند، مرد با زن همسایه من

نیست و از طریق کاتال و ممر دیگری باید این